

بدرت سرگشته
بجز آن چه باخته شد
چو زان چه از زمانه
ش ز ازین چه از زمانه
نوعان حالت آمد باز
کج گشت ای از راه
بیت خوشی خاک بر سرم
زینش خون ببارد
بگشت از کجاوی زان در
کج گشت ای از راه
بیت خوشی خاک بر سرم
زینش خون ببارد
بگشت از کجاوی زان در
کج گشت ای از راه
بیت خوشی خاک بر سرم
زینش خون ببارد
بگشت از کجاوی زان در

تو
عاج از کجاوی
نزد آن جانب میدان
من از خود ما در تو
مکن خوانم از صحرای
ببر جان میدان غم
بگنج غم صحرای
بیت خوشی خاک بر سرم
زینش خون ببارد
بگشت از کجاوی زان در
کج گشت ای از راه
بیت خوشی خاک بر سرم
زینش خون ببارد
بگشت از کجاوی زان در

Copyright © King Fahd University